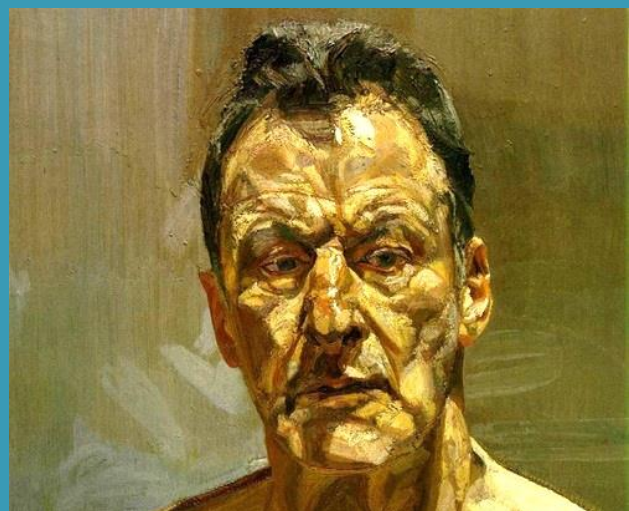
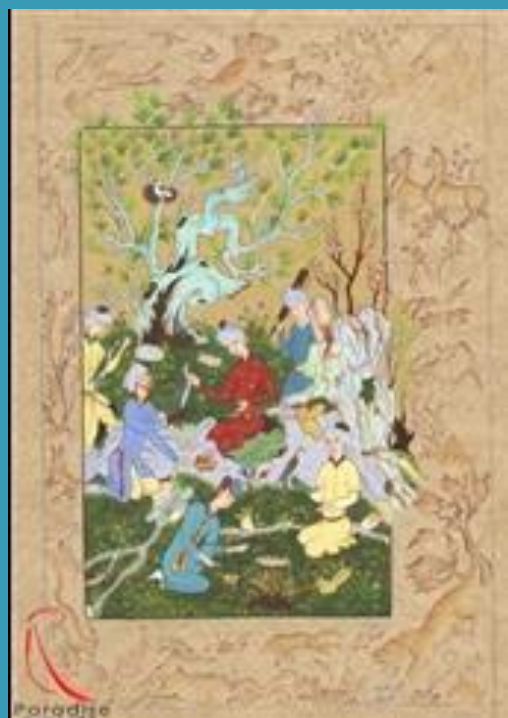


آشنایی با مکاتب هنرهای تجسمی



تالیف: سهیلا نیاکان

گردآورنده: رضا طالب

نوع: همشهری آنلاین

زمستان ۱۳۹۳



هنر < تجسمی - همشهری آنلاین - سهیلا نیاکان

کسب آگاهی و دانش درباره مکاتب و سبک های موجود در تاریخ هنر، به ما کمک می کند که بفهمیم چرا هنرمندان به شیوه خاصی کار می کرده اند یا چرا در پی مقاصد معینی بوده اند.

از همه مهمتر، مطالعه این مکاتب هنری راه خوبی است برای تیز کردن چشمان ما از آن جهات که به ویژگی های خاص آثار هنری دقیق تر نگاه کنیم و در نتیجه حساسیت خود را نسبت به تفاوت های ظریف آنها افزایش دهیم.

شاید این مناسب ترین روش برای لذت بردن از آثار هنری باشد.

- آشنایی با هنرهای تجسمی / آشنایی با مکاتب های عکاسی / آشنایی با تاریخچه عکاسی / چطورهای عکاسی / آشنایی با هنر گرافیک /

آشنایی با مکتب گوتیک



هنر > تجسمی

گوتیک (Gothic) سبک هنری رایج در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی در شمال اروپا است که تا قرن شانزدهم دوام یافت.

واژه "گوتیک" نیز همچون بسیاری از عناوین سبک های هنری در آغاز بار معنایی منفی داشت و به صورت تحقیر آمیز به کار گرفته شد.

این واژه توسط هنرمندان ایتالیایی دوره **رنسانس** ابداع شد تا این شیوه معماری را که به مثابه سبک توحش محکوم می کردند، توصیف کنند. زیرا به نظر آنها که البته در اشتباه بودند، این سبک معماری قوم گوتها بود که میراث **هنر کلاسیک** امپراطوری روم را از بین برد.

از این رو معنای تحت اللفظی "گوتیک" منسوب به قوم "گوتها" است.



هنر < تجسمی

ناتورالیسم (Naturalism) یا طبیعت‌گرایی که زمزمه‌های آن در نیمه دوم قرن نوزدهم به گوش می‌رسید، اصطلاحی در تاریخ هنر و نقد هنری برای توصیف سنجی از هنر است که در آن، طبیعت همان گونه که به نظر می‌آید، بازنمایی می‌شود. اصطلاح ناتورالیسم به مثابه مکتبی خاص در **نقاشی**، نخستین بار توسط "بلوری" درباره پیروان "کارواجو" به کار برده شد.

به زعم او اینان به تقلید وفادارانه از طبیعت (خواه زشت، خواه زیبا) می‌پرداختند. همچنین "کاستا نیاری" منتقد فرانسوی اصطلاح ناتورالیسم را جایگزین **رئالیسم** کرد تا بر عین‌گرایی و پژوهش‌های فعالیت علوم طبیعی تاکید بیشتری بگذارد. بنا به نظر طبیعت‌گرایان، وراثت و محیط تعیین‌کننده اصلی تقدیر انسان هستند.



هنر > تجسمی

مکتب هرات سبکی هنری در نقاشی است.

پایه گذاری مکتب هرات به دوره تیموریان و دوره زمامداری شاهرخ بر می گردد. این سبک در دوره سلطان حسین بایقرا پیشرفت زیادی می کند. اما در سال ۱۵۰۷ میلادی با حمله ازبک ها رشدش متوقف می شود.

از مشهورترین نقاشان مکتب هرات می توان به استاد **کمال الدین بهزاد** اشاره کرد.

مکتب هرات بعدها با کمک نقاشان بسیاری چون آقا رضا جهانگیری که به دربار جهانگیر شاه در **هند** رفته بودند تاثیر زیادی بر روی مکتب مینیاتور هندی گذاشت.

مکتب هرات را یکی از "پیش مکتب" های مهم مکتب تبریز و مکتب اصفهان می دانند.

هنرمندان نقاش ، خوشنویس و خطاط که در کتابخانه بزرگ شاهی هرات به امر بایسنقر میرزا مشغول به کار بودند، آثار زیادی همچون کتاب های شاهنامه، لیلی و مجنون، بوستان و گلستان سعدی را مصور ساختند.

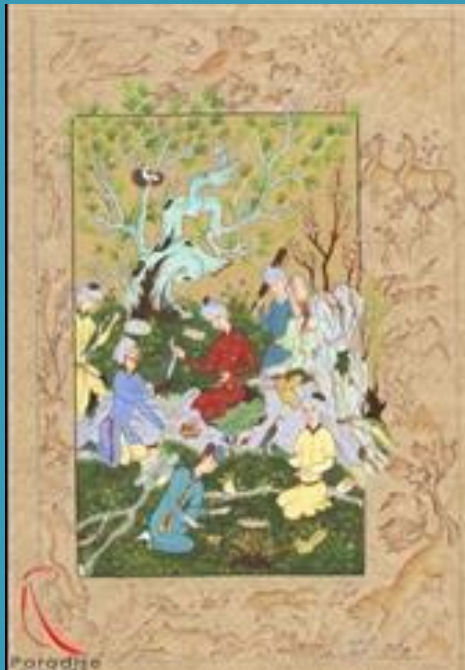


هنر > تجسمی

مکتب اصفهان از زمانی آغاز شد که شاه عباس مرکز صفویان را به اصفهان منتقل کرد.

در این مکتب نگارگری ایرانی، باغ‌ها و گل‌ها بسیار زیباتر و پرشکوه‌تر شدند و افراد در نگارگری لباس فاخر و مجلل داشتند.

در این دوره تعداد افراد در نگارگری کاهش یافت. تک‌چهره‌ها افزایش یافتند. لباس‌ها بسیار دقیق‌تر طراحی شدند. سر و ریش و موی حالت واقع‌نمایانه‌تری یافتند.



هنر < تجسمی

مکتب نگارگری قزوین جدا از مکتب هرات، تبریز و دیگر مکاتب دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سبک‌های دیگر متمایز می‌کند.

در این مکتب، برای نگارگران علاوه بر تصویر حیوانات، پرندگان، گلها و درختان آنچه بیش از همه جالب توجه می‌کرد، اندام ظریف جوانان، درویشان و کشاورزان است که در تابلوهای آنان، چهره‌ها غالباً به گونه‌ای سه رخ تصویر شده و چهره‌های تمام رخ ابداً در کار نقاشان سبک قزوین دیده نمی‌شود و هیچ انسانی از پشت سر نیز تصویر نشده است.

سوژه‌های بیشتر از میان افراد عادی برگزیده شده و لباس‌های فاخر در نگارگری‌ها دیده نمی‌شود و جامه‌های زنان و مردان چندان تفاوتی در نگاره‌ها ندارد.



هنر > تجسمی

اولین مکتب نگارگری ایرانی در تبریز پایه ریزی شده است که به همین دلیل آن را مکتب تبریز نامیده‌اند.

این مکتب، دوره آغاز ورود عناصر چینی به حوزه نگارگری ایرانی به حساب می‌آید.

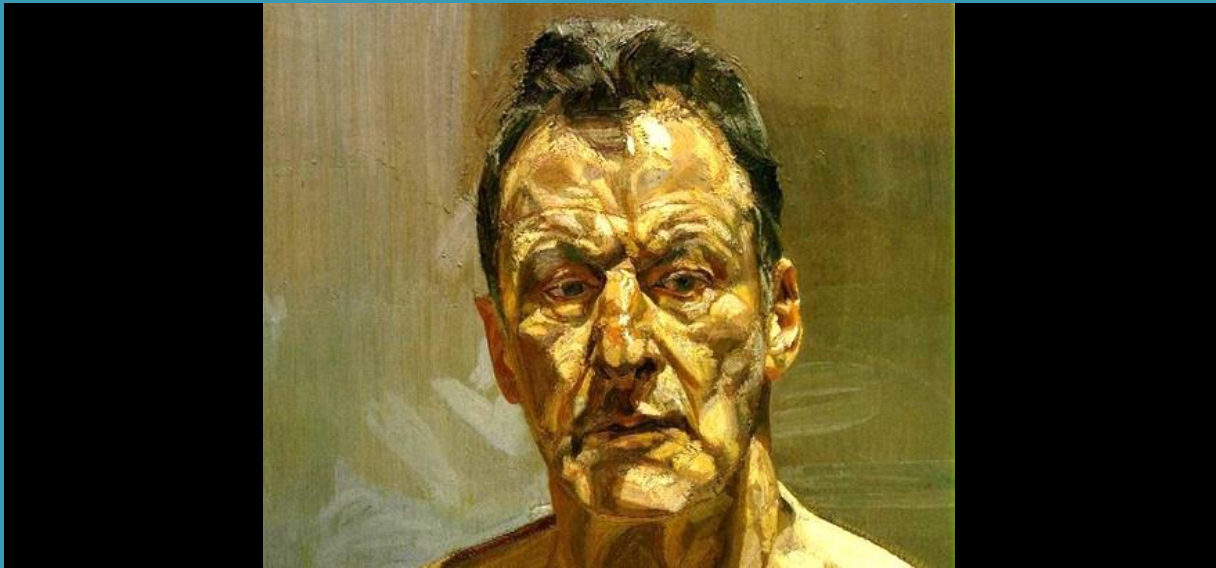
چهره‌ها، نحوه نمایش طبیعت مثلاً ترسیم تنه پیچیده و گره دار درختان و صخره‌های تیز و دشتهای بریده و ابرهای موج ، مراعات نسبتها، دقت در رسم گیاهان و اعضای بدن حیوانات ، و تحرک و جنبش بیشتر در نمایش صحنه‌ها به جای آرامش و سکون موجود در نقاشی سنتی ایرانی در این مکتب دیده می‌شوند.

از سوی دیگر، استفاده از نقوش تزیینی هنر ایرانی مانند نقوش هندسی کاشی کاری ، و اعتبار بخشیدن به معماری ایرانی به عنوان اصلی ترین جانمایه کار و بازنمایی روح ملی ، تقلید صرف از هنر چینی را نفی می‌کند.

آشنایی با هنر فیگوراتیو (Figurative)

هنر < تجسمی

هنر فیگوراتیو به آن دسته از آثار هنرهای تجسمی غالباً نقاشی، طراحی و مجسمه اطلاق می‌شود که در آن نمودی از دنیای واقعی وجود داشته باشد

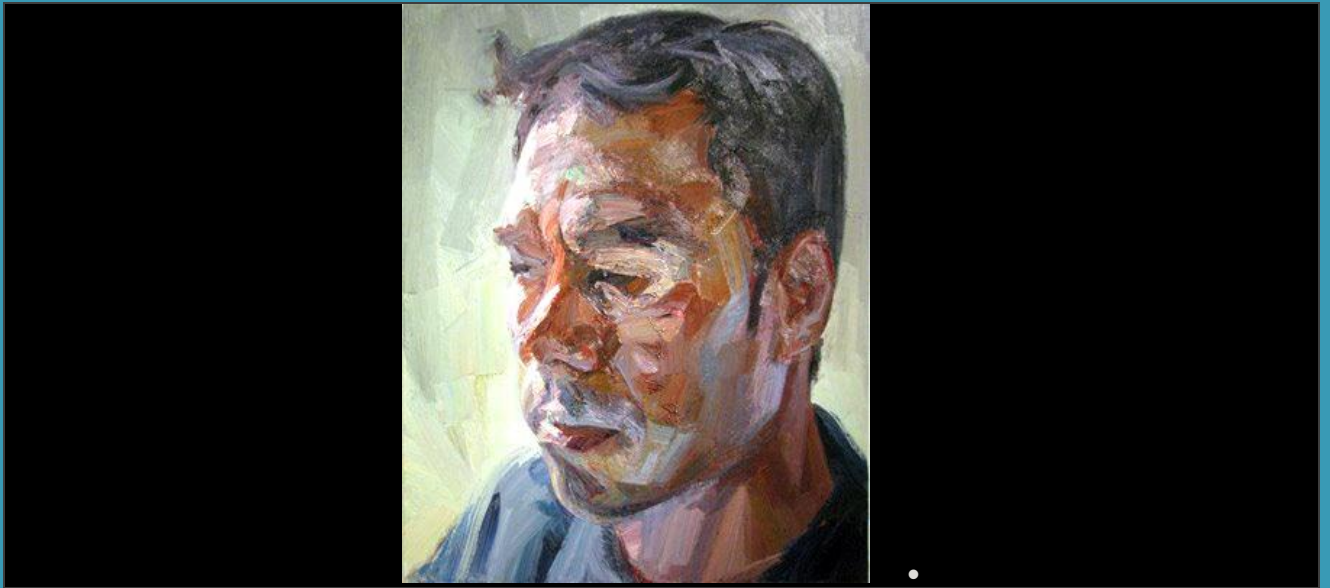


هنر فیگوراتیو (Figurative)

هنر فیگوراتیو شاخه‌ای از هنرهای تجسمی







این اصطلاح عموماً در مقابل **هنر انتزاعی** به کار می‌رود.

طراحی و نقاشی فیگوراتیو، به آن دسته از طراحی و نقاشی هایی گفته می شود که بر اساس حالت ها و وضعیت های مختلف اندام انسانی ترسیم شده و طی آن، مطالعه و بررسی مورد نظر طراح نیز صورت می گیرد.

اینگونه طراحی ها شامل اسکیس، طراحی های دقیق، طراحی از فرم دست و پا و... است.



هنر < تجسمی

اگزیستانسیالیسم (Existentialism) در جست وجوی انسان‌گرایی تازه‌ای است که به انسان و مفهوم وجودی او می‌پردازد و "ماهیت" انسان را از "وجود" او مجزا می‌داند

از نظر اگزیستانسیالیست‌ها فقط خدا است که ماهیت و وجودش جدایی ناپذیر است. پرسش اساسی فلسفه اگزیستانسیالیسم آن است که کدامیک از این دو جنبه بر دیگری مقدم است: ماهیت یا وجود؟

پاسخی که فلسفه تا سده ۱۹ به این پرسش می‌داد بر تقدم ماهیت تأکید داشته است. اما فلسفه اگزیستانسیالیسم بر عکس آن معتقد به تقدم وجود بر ماهیت است.

ماهیت انسان را باید در وجود او جست و جو کرد. به طور معمول ما براساس پیش زمینه ذهنی و دانشی که درمورد پدیده‌ای داریم به واقعیت آن می‌رسیم، درحالی که اگزیستانسیالیست‌ها عکس این روش را به کار می‌گیرند، یعنی سعی می‌کنند بدون دخالت ذهن و منطق به واقعیات پدیده‌ای برسند و مفاهیم انتزاعی را به صورت

آشنایی با ویدئو اینستالیشن



هنر < تجسمی

ویدئو اینستالیشن (Installation video) شیوه‌ای هنری در هنر معاصر است که تکنولوژی ویدئو را با اینستالیشن آرت در هم آمیخته است. این شکل در دهه ۱۹۸۰ گسترش بیشتری یافت؛ آن گاه که ویدئو پروژکتورهای کیفیت بالا ارزان تر و قابل اعتماد تر شدند.

یکی از پیشگامان ویدیو اینستالیشن نام جون پايک (Nam June paik) بود که در آثارش از میانه دهه ۶۰ از چندین مونیتور تلویزیون با آرایشی تندیس گون استفاده می‌کرد.

پايک به کار خود در زمینه دیوارهای ویدئویی و پروژکتورها ادامه داد و موفق شد فضاهای فراگیر عظیمی ایجاد کند.

آشنایی با اینستالیشن آرت



هنر > تجسمی

اینستالیشن آرت (Installation art) یا هنر چیدمان، هنری است که مواد مجسمه سازی و دیگر رسانه ها را به کار می بندد تا شیوه رویا رویی ما با فضایی مخصوص را اصلاح کند.

اینستالیشن آرت لزوماً به فضای نمایشگاه محدود نیست و می تواند به هر مداخله مادی در فضاهای عمومی یا خصوصی روزمره اشاره کند.

این هنر، تقریباً همه اشکال رسانه را در هم می آمیزد تا تجربه ای غریزی و یا مفهومی در محیطی مشخص خلق کند.

مواد مصرفی در اینستالیشن آرت معاصر از مواد طبیعی و روزمره تا رسانه های جدید همچون ویدئو، صدا، پرفورمنس، کامپیوتر و اینترنت را شامل می شود.

برخی اینستالیشن ها مختص مکان (site-specific) هستند و به گونه ای طراحی شده اند که وجودشان در گرو مکانی است که برای آن طراحی شده اند.

آشنایی با هنر انتزاعی

هنر < تجسمی

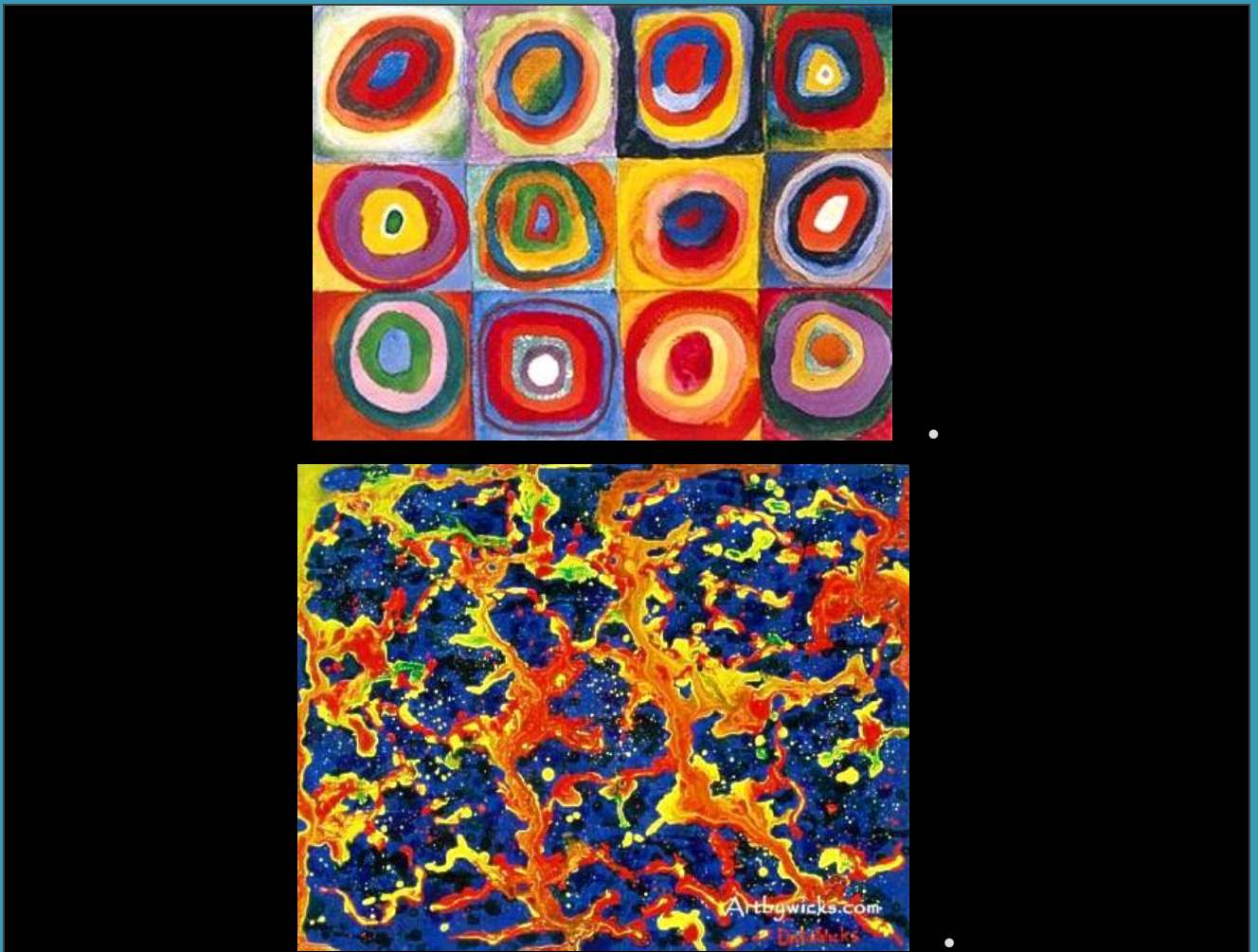
هنر مجرد، یا هنر انتزاعی (**Abstract art**) آبستره، به هنری اطلاق می‌شود که هیچ صورت یا شکل طبیعی در جهان در آن قابل شناسایی نیست و فقط از رنگ و فرم‌های تمثیلی و غیر طبیعی برای بیان مفاهیم خود بهره می‌گیرد



هنر انتزاعی (**Abstract art**)

هنر انتزاعی – شاخه‌ای از هنرهای تجسمی





این اصطلاح در معنای وسیع آن می‌تواند به هر نوع هنری اطلاق شود که اشیاء و رخدادهای قابل شناخت را بازنمایی نمی‌کنند.

ولی عموماً به آن گونه از آفرینش‌های هنر مدرن اطلاق می‌شود که از هر گونه تقلید طبیعت یا شبیه‌سازی آن، به مفهوم مرسوم آن در هنر اروپایی، روی می‌گردانند.



هنر < تجسمی

پرفورمنس (Performance art) به لحاظ لغوی به معنای اجراست. اما هنر پرفورمنس، ذات هر اجرایی است که بر انسان متکی باشد. پرفورمنس با یک تابلوی نقاشی به وجود نمی آید. تابلوی نقاشی نهایت حدودی را که درمی نوردد **هنرهای مفهومی** است. اما اگر انسانی با هر صورت فیزیکی در فراسوی این تابلو باشد، اساس عمل، دلالت رویدادی است که بین انسان با تابلوی نقاشی در هر لحظه رخ می دهد.

به عبارت دیگر، این هنر در لحظه اتفاق می افتد. حادثه جزئی از پرفورمنس خواهد بود و همه اتفاقات در پرفورمنس از پیش تعیین شده و قابل پیش بینی نیست. علاوه بر این پرفورمنس ارتباط مستقیمی با مخاطب خود دارد و یک بازی رفت و برگشت را می توان میان مخاطب و اجراگر مشاهده کرد. حضور مخاطب در یک اجرا می تواند در روند آن بسیار تاثیرگذار باشد.

پرفورمنس یکبار اتفاق می افتد و در صورت تکرار دیگر پرفورمنس نخواهد بود.



هنر > تجسمی

جنبش هنری سقاخانه را می‌توان نوعی واکنش بی‌اختیار روشنفکران و هنرمندان دهه ۴۰ شمسی، علیه مدرنیسم و گسترش دامنه نفوذ فرهنگ غرب دانست. این مکتب، جریانی بود که در دهه ۴۰ در ایران شکل گرفت. در بحبوحهٔ مدرانیزاسیون و درگیری‌های سنت‌گرایان و مدرنیته در حالی که مکتب رایج در عرصه بین‌المللی، هنر مردمی یا **پاپ آرت** در حال عبور و انقضای دوره خود بود، عده‌ای از هنرمندان نوآور ایرانی، مکتب جدیدی را بنیان نهادند که تأثیر شگرفی بر تحولات نقاشی امروز ایران و حتی نوآوری‌های عرصه خوشنویسی از خود باقی گذاشت. این مکتب یا جنبش هنری بعدها به نام مکتب سقاخانه شهرت یافت.

آشنایی با هنر خود انگیزته



هنر < تجسمی

هنر خود انگیزته (Automatism) نوعی روش نقاشی و طراحی است که طی آن هنرمند، کنترل آگاهانه خود را بر حرکات دست، واپس می نهد و به ضمیر ناخودآگاه خود امکان می دهد تا فعال شود.

منشاء این ایده از برخی جهات به طرح های اتفاقی "لکه زنگی" الکساندر کوزین باز می گردد.

اما این سبک در شکل تکامل یافته اش به ویژه به آثار هنرمندان سورئالیست و اکسپرسیونیسم انتزاعی مربوط می شود.

هنر خودانگیزته اساسا در آثار نقاشان هنر کنشی مانند جکسون پولاک در شیوه ترکیب بندی به خدمت گرفته شد.

اما در آثار سورئالیست ها هر گاه طی این روند خود انگیزته یا اتفاقی، تصویر یا فرم یا بافت جالبی حاصل می شد، غالبا به صورت تعمدی و آگاهانه به خدمت گرفته می شد.

آشنایی با نقاشی کنشی



هنر < تجسمی

اصطلاح نقاشی کنشی (Action painting)، توصیف گر سبک و روشی در نقاشی است که جکسون پولاک مبدع آن بود و طی آن، هنرمند با پاشیدن، ریختن و چکاندن رنگ بر روی بوم، اثر خود را پدید می آورد.

این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۵۲ توسط "هارولد روزنبرگ" منتقد هنری به کار گرفته شد و بر این دیدگاه استوار بود که تابلوی نقاشی صرفاً نباید یک محصول پرداخت شده باشد.

بلکه باید فرایند آفرینش خود را نیز ثبت کند. یعنی همان اعمالی که هنرمند به هنگام نقاشی کردن اثر انجام می دهد.



هنر > تجسمی

معنای تحت اللفظی رئالیسم (Realism)، واقعگرایی است. اما این اصطلاح در مباحث تاریخ و نقد هنر با معانی مختلفی به کار رفته است. در مفهوم وسیع آن به معنی گرایش به بازنمایی چیزها به طور دقیق و عینی است. اما در مفهوم خاص تر آن به جنبشی اطلاق می شود که در قرن نوزدهم در **فرانسه** ظهور کرد و ویژگی آن مخالفت با موضوعات قرار دادی تاریخ گرایانه، اسطوره ای و مذهبی و به جای آن پرداختن به مفاهیم غیر آرمانی و اسطوره زدایی شده زندگی مدرن بود.

آشنایی با مکتب روکوکو



هنر < تجسمی

روکوکو (Rococo) سبکی در هنر و معماری است که مشخصه آن درخشندگی، شکوه، نشاط و صمیمیت است.

این سبک در حدود سال ۱۷۰۰ میلادی در **فرانسه** ظهور کرد و طی قرن هجدهم در سراسر اروپا گسترش یافت.

این واژه در سالهای ۷-۱۷۹۶ توسط یکی از شاگردان "داوید" ابداع شد و ترکیبی هوشمندانه از دو واژه **rocaille** (اثر سنگی) و **barocco** (باروک) بود که به طور تحقیر آمیز به سلیقه رایج در دوره سلطنت لویی پانزدهم اشاره دارد.

اکنون با مفهومی عینی و بدون بار معنایی تحقیر آمیز آن، در میان تاریخ نگاران هنر، مصطلح شده است و برای توصیف یک سبک هنری و تزئینی که دارای انسجام و ثبات خاصی است، به کار گرفته می شود.

این سبک به دلیل تزئینات ظریف و پر آب و رنگ، تمایل به موضوعات کوچک به جای موضوعات برجسته دارد.



هنر > تجسمی

سورئالیسم (Surrealism) جنبشی است در هنر و ادبیات که در دهه های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ در فرانسه شکل گرفت.

بنای این مکتب ادبی و هنری بر اصالت خیال، رویا و تداعی آزاد و تصورات ضمیر ناخود آگاه است.

سورئالیسم بر خلاف **کوبیسم** که هنرمند را در محدوده خاصی منحصر می کرد، به هر نوع خیال پروری و خیال پردازی در حالت بیداری، اصالت هنری بخشید و آفرینش هنرمند را در بهره گیری از برخورد ها و برداشت های پیش بینی نشده و تصادفی و ابداعات نامتعارف آزاد گذاشت.

از همین رو است که حاصل کار هنرمندان این سبک، بسیار شخصی و کاملاً نامعمول و متمایز هستند.



هنر > تجسمی

جنبش دادائیسم (Dada)، هنگام چند پاره شدن اروپا طی جنگ جهانی اول رشد یافت. سپس در زوریخ که بعدها به مامنی برای مهاجرین جنگی، معترضین، آشوبگران ، آنارشیست ها و روشنفکران بدل شد، مرکزیت یافت.

اما مکان اصلی آن ، کافه ای بود که بعدها به طور همزمان به باشگاه هنرمندان،نمایشگاه و سالن های تئاتر تبدیل شد.

دادائیست ها از ابزارهای مختلفی برای هجو و استهزاء معیارهای بورژوازی بهره بردند.

آنها بورژوازی را عامل بروز هرج و مرج و آشوب حاصل از جنگ می دانستند.

دادا بیشتر نوعی رویکرد و گرایش بود تا یک سبک خاص.

دادائیسم که در اساس، ضد سنت بود، هیچ منشایی به جز زمانه خودش نداشت.



هنر < تجسمی

فوتوریسم (Futurism) جنبشی هنری است که با برخی گرایش‌های سیاسی توسط شاعر ایتالیایی "مارینی" در سال ۱۹۰۹ در میلان شکل گرفت.

تلاش این جنبش رهانیدن **ایتالیا** از بار توانفرسای گذشته تاریخی اش و ارج نهادن به دنیای مدرن (ماشین شده، خشونت و سرعت) بود که در مجموعه‌ای از بیانیه‌های پر شور آن بازتاب می‌یافت.

مشخصه آثار نقاشی و مجسمه‌سازی فوتوریستی نمایش ایستای فرم‌های پویا و در حال گسترش است.

مثلا در یک تقاشی فوتوریستی ممکن است یک عنصر در حال حرکت به وسیله تکرار تصاویر آن بر روی تابلو بازنمایی شود.

هنرمند فوتوریست دستمایه‌ها و موضوعات کار خود را عمدتاً از تجربه شهری اخذ می‌کند تا فضای آزمایشگاه گونه آتلیه **کوبیستی**.

آشنایی با مکتب فوویسم (Fauvism)



هنر > تجسمی

این سبک نقاشی مبتنی بر کاربرد اغراق آمیز از رنگ های غیر طبیعی و تند است که اولین جنبش پیشروی هنر اروپا بین آغاز قرن بیستم تا آغاز جنگ جهانی اول محسوب می شود.

فوویسم ها عمدتاً به قابلیت های تصویری رنگ های خالص علاقمند بودند.

از این جنبه آنها بسیار وامدار جنبش پست امپرسیونیسم بودند. هنرمندان فوویسم اگرچه به طور منطقی از امپرسیونیسم منشأ گرفته بودند، اما جنبش آنها به طریقی خود واکنشی بود در برابر ویژگی مستند گونه این سبک.

فوویست ها تاکید پیشین نقاش بر خود انگیختگی و باور داشتن به تصویر ایجاد شده بر شبکه چشم را به کناری نهادند و در عوض بر سادگی فرم و نظام بندی بیانی و غالباً شدید رنگی تاکید کردند و از تقلید از طبیعت اجتناب جستند.

آشنایی با مکتب کلاسیسیسم (Clasicism)



هنر > تجسمی

در معنای کلی، معمولا به آثار برجسته و الگوی هر ملتی آثار کلاسیک اطلاق می شود. اما کلاسیک به مثابه یک مکتب خاص هنری معنای محدود تری دارد و دوره تاریخی معینی را در بر می گیرد.

کلاسیسیسم تقریبا ویژگی ثابت تمامی دوره های پس از کلاسیک باستان، از قرن ۸ میلادی تا قرن ۲۰ میلادی بوده است.

در معنای محدود تر و زیبایی شناسانه آن، واژه کلاسیسیسم صرفا به مقاطع کوتاهی از این دوران اطلاق می شود و به سبک ها یا مراحل از یک سبک اطلاق می شود که واجد ویژگی هایی مانند صراحت، نظم و توازن است.

آشنایی با مکتب سمبولیسم (Symbolism)



هنر < تجسمی

معنای تحت اللفظی سمبولیسم، نماد گرایی است.

سمبولیسم جنبشی نامنسجم در هنر بود که در دهه ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در ارتباطی نزدیک با جنبش ادبی سمبولیستی در شعر **فرانسه** ظهور یافت.

این جنبش واکنشی بود به اهداف طبیعت گرایانه مکتب **امپرسیونیسم** و نیز به اصول رئالیسم که توسط "گوستاو کوربه" به این ترتیب وضع شد: "نقاشی اساسا هنری عینی است و فقط می تواند شامل بازنمایی چیزهایی شود که واقعی و موجودند. شیئ انتزاعی به قلمرو نقاشی تعلق ندارد".

در مجموع از دیدگاه سمبولیست ها، واقعیت آرمان درونی، رویا یا نماد فقط می توانست به صورت غیر مستقیم و با واسطه بیان شود.

یعنی با استفاده از کلیدها یا تمثیل هایی که نمایانگر واقعیت درونی بودند.

آشنایی با مکتب رمانتیسم (Romanticism)



هنر > تجسمی

جنبش هنری رمانتیسم در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی شکل گرفت. موضوع اصلی رمانتیسم اعتقاد به ارزش تجربه شخصی و فردی است. هنرمند رمانتیک ارزش های شهودی و غریزی را مورد کاوش قرار می دهد.

او همچنین گفتمان اجتماعی نئو کلاسیسم (سبک دارای خرد گرایی عصر روشنگری و نظم) را که صور مختلف آن به طور فراگیر رایج بود، دگرگون می کند و نوعی تجربه شخصی تر را جایگزین آن می سازد.

اما رمانتیسم نیز مانند کلاسیسم، مفاهیمی از افتخار، شکوه، وقار و برتری را در بردارد.

این سبک به طور کلی به ایده های آرمانی بیش از ایده های واقعی اهمیت می دهد. رمانتیسم بیشتر گرایش ذهنی ارائه می دهد تا مجموعه ای از روش های سبک شناسانه و بیشتر با بیان ایده ای مرتبط است که منشا در قالب سخن دارد تا قالب بصری.



هنر > تجسمی

معنای تحت اللفظی رنسانس "نوزایی" (Renaissance) است و به جنبش فرد گرا و هنری اطلاق می شود که در قرن ۱۴ میلادی در ایتالیا آغاز شد و در قرن ۱۶ در همان جا به اوج شکوفایی خود رسید.

این جنبش سپس به طرق متفاوت در سراسر اروپا گسترش یافت.

گسترش مفهوم رنسانس از یک جنبش در هنر و ادبیات به یک دوره زمانی در قرن ۱۸ آغاز می شود و رواج نهایی آن زمانی بود که "ژول میشل" فصلی از کتاب تاریخ فرانسه خود را "رنسانس" نام گذاری کرد.

بدیهی است تعریفی چنین گسترده براین اصطلاح، تعیین حدود آن را دشوار می کند.

در هنرهای تجسمی، این اصطلاح عموماً برای توصیف تقلید آگاهانه نقوش کلاسیک یا بازگشت آگاهانه به معیار های ارزشی کلاسیک به کار برده می شود.



هنر < تجسمی

اصطلاح هنر مینی مال (Minimal art) برای توصیف گرایشی در نقاشی و به ویژه مجسمه سازی به کار می رود که طی دهه ۱۹۵۰ ظهور یافت. در این توصیف، فقط از اصلی ترین فرم های هندسی استفاده شده بود. هنر مینی مال بیشتر به امریکا مربوط می شود و ویژگی غیر شخصی آن را به عنوان واکنشی در برابر هیجان و شور اکسپرسیونیسم انتزاعی می دانند. "کارل آندره"، "دون جود" و "تونی اسمیت" از جمله مشهورترین هنرمندان هنر مینی مال محسوب می شوند.

آشنایی با مفهوم هنر برای هنر



هنر < تجسمی

"هنر برای هنر" (Art for art sake) اصطلاحی است برای توصیف افراط کاری‌های مختلف در نظریه‌ای که مدعی است هنر خود بسنده است و لازم نیست که در خدمت هیچ‌گونه هدف ضمنی چه هدف اخلاقی، سیاسی و یا مذهبی باشد. این نظریه برای نخستین بار توسط "ویکتور کوزین" فیلسوف فرانسوی مطرح شد. شکل معتدل‌تر این نظریه که معتقد است معیارهای زیبایی شناختی مستقل هستند و این که آفرینش و تحسین هنر زیبا فعالیت‌هایی خود بسنده است، به بخشی از دیدگاه زیبایی شناسی قرن بیستم بدل شده است.

آشنایی با هنر محیطی (Environment art)



هنر > تجسمی

هنر محیطی، نوعی هنر ترکیبی است که طی آن هنرمند فضایی سه بعدی را که از پیش برنامه ریزی شده یا به صورت مکانیکی متحرک شده خلق می‌کند.

به نحوی که بیننده را در برگیرد و وی را در مجموعه متنوعی از انگیزش‌های حسی قرار دهد. مانند انگیزش بصری، شنیداری، جنبشی، بساوایی و گاه بویایی.

هنر محیطی که طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ به تدریج رواج یافت، اساساً بر درگیر کردن بیننده با اثر هنری مبتنی بود و در آن محیط‌ها به قصد واداشتن بیننده به شرکت در "اتفاقات" یا "بازی" به نحو استادانه‌ای کار می‌شد.

معمولاً "آلن کاپرو" را که خود پیشرو و مبدع "هپنینگ" بود، به عنوان مبدع هنر محیطی می‌شناسند.

از دیگر پیشروان این جنبش هنری می‌توان "کین هولز" و "اولدنبگ" را نام برد.

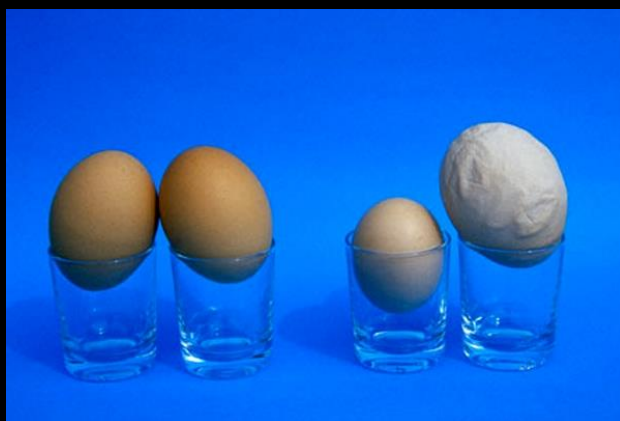
آشنایی با هنر مفهومی

هنر < تجسمی

اصطلاح هنر مفهومی (Conceptual art) به انواع مختلف آثار هنری که در آن مفهوم و ایده اثر پر اهمیت‌تر از محصول نهایی تلقی می‌شود، اطلاق می‌شود.

هنر مفهومی (Conceptual art)

هنر مفهومی – شاخه‌ای از هنرهای تجسمی





اندیشه این اصطلاح، به "مارسل دوشان" باز می‌گردد. اما شکل ظهور و جلوه آن کاملاً متنوع بود.

آشنایی با مکتب کوبیسم (Cubism)



هنر < تجسمی

واژه کوبیسم از ریشه **cube** به معنای مکعب اخذ شده است. این واژه را نخستین بار "وکسل" منتقد هنری به کار برد که نشانگر درک سطحی وی از این هنر در آن زمان است. کوبیست ها تلاش می کنند تا کلیت یک پدیده (وجه مختلف یک شیء) را در آن واحد در یک سطح دوبعدی عرضه کنند. کوبیسم از این لحاظ مدعی رئالیسم بود، ولی نه رئالیسم بصری و امپرسیونیستی، بلکه رئالیسم مفهومی.

ذهنیت هنرمند از اشیاء و موجودات در این سبک، به صورت اشکال هندسی بیان می شود. از این رو آنچه که در واقعیت است، به گونه ای که در چشمان ما قابل رویت باشد، نمی بینیم.

کوبیسم را به دو مرحله تحلیلی و ترکیبی تقسیم کرده اند. این مکتب در قیاس با دیگر جنبش های هنری پیش از خود، گسست مثبت تری از اصول و شیوه رنسانس محسوب می شود.

کوبیسم از یک سو به هنر پیش از یونانی چشم دارد و از سوی دیگر به آینده و راه پیش روی هنر دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۶۰.

در مجموع کوبیسم جنبشی در نقاشی و مجسمه سازی بود که از آن به عنوان یکی از نقاط ثقل مهم در هنر غرب یاد می کنند.

کوبیسم را ابداع "پیکاسو" و "براک" می دانند. این دو نقاش آنچنان نزدیک به هم کار می کردند که گاه تمایز بین آثار آنها دشوار می نماید.

بعد ها این سبک را نقاشانی همچون "ژان گریس" و سپس "فرنان لژه"، "دلونی متزینگر"، "گلایزبس" و "کوپکا" ادامه دادند.

مشخص ترین دوره فعالیت و اوج گیری کوبیسم را بین سال های حدود ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ تخمین می زنند.

آشنایی با مکتب پاپ آرت (Pop art)



هنر > تجسمی

معنای واژه "پاپ آرت" مخفف (popular art) هنر مردمی یا هنر عامه است. این اصطلاح را "لورنس الوی" منتقد انگلیسی برای توصیف جنبشی هنری که در اواخر دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ در **بریتانیا** و **امریکا** شکل گرفت، ابداع کرد.

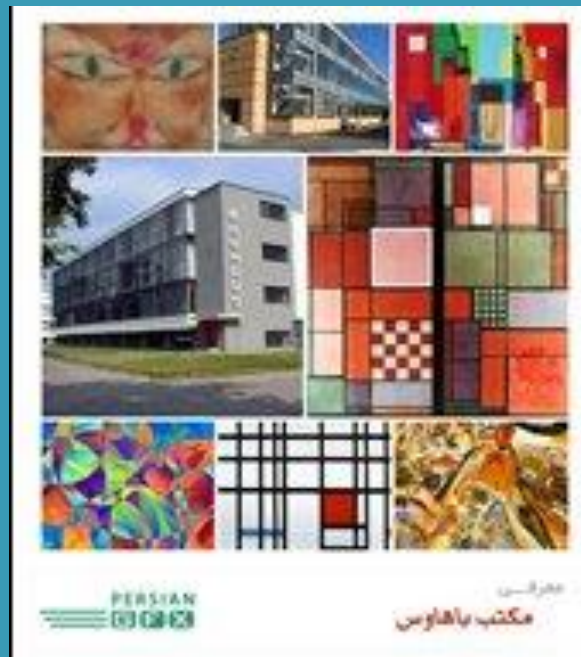
این جنبش هنری به مفهوم مصرف گرایی و بر فرهنگ عامه مبتنی است.

وجه مشخصه هنر پاپ در امریکا و بریتانیا از جمله عبارت بود از استفاده از تصاویر کتاب های کارتونی، آگهی های تبلیغاتی، بسته بندی و تصاویر تلویزیون و سینمایی.

پاپ آرت در آغاز در ایالات متحده به عنوان واکنشی در برابر سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی مورد توجه قرار گرفت.

زیرا هواخواهان "پاپ آرت" بار دیگر به سراغ تصاویر فیگوراتیو و اندام وار رفتند و از روش های ترسیم خطوط کناری و به ظاهر عکاسانه استفاده کردند.

آشنایی با مکتب باهاوس (Bauhaus)



هنر > تجسمی

بهاوس ، نام مدرسه معماری و هنرهای کاربردی بود که به تدریج طی دهه ۱۹۲۰ به مرکز طراحی مدرن آلمان بدل شد و نقش مهم و اساسی در تثبیت روابط بین طراحی و فنون صنعتی ایفا کرد.

بهاوس در سال ۱۹۱۹ زیر نظر "والتر گروپیوس" از ادغام فرهنگستان قدیم هنرهای زیبای وایمار و مدرسه هنر و صنایع دستی وایمار تاسیس شد.

در نخستین بیانیه گروپیوس، آرمان "موریس" در باب صنعتگری متعالی با ایده وحدت بین هنرها به جهت تجسم بخشیدن به یک هنر معمارانه مدرن فراگیر که در آن تمایز بین عناصر تزئینی و یادمانی از بین می رود، تلفیق شد.

آشنایی با مکتب باروک (Baroque)



هنر < تجسمی

مکتب باروک در مباحث هنری دارای دو مفهوم تاریخی و نقد هنری است و به دو صورت اسم و صفت به کار برده می‌شود.

این واژه تاریخ طولانی پیچیده و پر تناقضی داشته است. احتمالاً از یک واژه پرتغالی به معنی "مروارید بی‌شکل" مشتق شده و تا اواخر قرن ۱۹ اغلب به عنوان مترادفی برای "پوچ" و "غریب" به کار می‌رفته است.

اما در زبان انگلیسی حال با سه معنی اصلی مصطلح و رایج است. نخست، این واژه معرف سبک رایج هنر اروپا بین "منریسم" و "روکوکو" است.

دوم، از این واژه به صورت عنوانی کلی برای دوره‌ای که این سبک در آن به شکوفایی رسید استفاده می‌شود. یعنی در بیان کلی قرن ۱۹ میلادی.

آشنایی با مکتب اکسپرسیونیسم انتزاعی (expressionism abstract)



هنر > تجسمی

این اصطلاح که در حدود سال ۱۹۵۰ رواج یافت، توصیف گر جنبشی در هنر انتزاعی است که طی سال های دهه ۱۹۴۰ در نیویورک ابداع و رواج یافت.

این اصطلاح به برخی از آثار نقاشی انتزاعی "کاندینسکی" به کار می رود، اما نخستین بار وقتی که برای توصیف آثار "آرشیل گورکی" و "جکسون پولاک" به کار رفت، فراگیر شد.

پس از آن به آثار دیگر نقاشان نیویورکی که نه انتزاعی بود، مانند "کانینگ" و "گوتلیب" و نه اکسپرسیونیستی مانند "روتکو" و "کلین" اطلاق شد.

این نقاشان بیشتر در دیدگاه هایشان مشابهت داشتند تا سبک آثارشان.

مشخصات این دیدگاه ها عبارت بود از: قیام علیه وابستگی به سبک های سنتی یا فرایندهای از پیش تعیین شده شیوه کار، چشم پوشی از آرمان اثر هنری مبتنی



هنر < تجسمی

نهضت بزرگی بر ضد رئالیسم و امپرسیونیسم در آغاز قرن بیستم پا گرفت که مکتب اکسپرسیونیسم از دل آن بیرون آمد.

واژه اکسپرسیونیسم برای اولین بار در تعریف برخی از نقاشی‌های "اگوست اروه" به کار رفته است. این مکتب، جنبشی در هنر و ادبیات بود که در بین سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۳۳ نخست در آلمان شکوفا شد. هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، به خصوص عواطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود.

هنر اکسپرسیونیستی هنری است که یک فشار یا ضرورت درونی را آزاد کند. این فشار بر اثر عاطفه یا احساس ایجاد می‌شود. آزاد شدن نیروهای روانی به این صورت ممکن است به حرکات تندی منجر شود و ظواهر امور طبیعی را چنان دگرگون کند که زشت به نظر می‌رسد.

هنرمندان این مکتب معتقدند که این هنرمند است که محیط خود را تغییر می‌دهد. "کوکوشکا"، "کاندینسکی" و "کلی" از اولین نقاشان برجسته این مکتب به شمار می‌آیند.

این نقاشان از تقلید واقعیت روی گردانند و به جای آن به بیان منویات و نگرش اصلی خود نسبت به جهان پرداختند.

به هر حال، نقاشی اکسپرسیونیسم واکنشی است علیه امپرسیونیسم که پیچیدگی‌های رنگ به رنگ شونده، تنوع برآشوبنده و ته رنگ‌های بی‌دوام طبیعت را بازتاب می‌دهد.

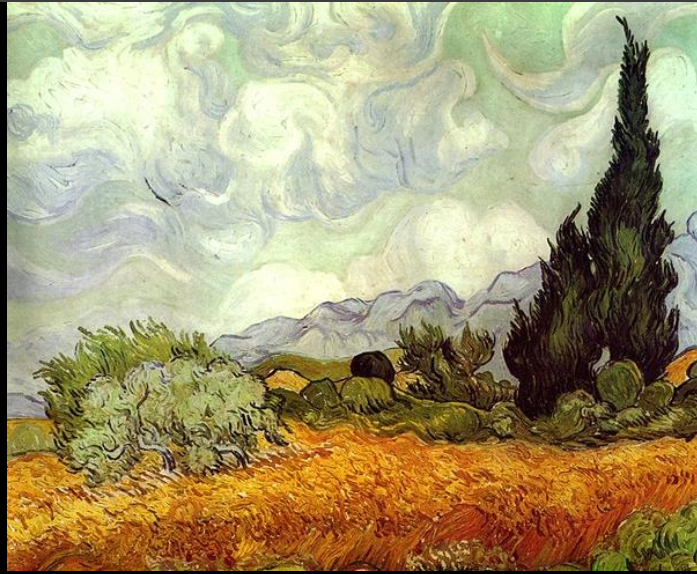
آشنایی با مکتب امپرسیونیسم

هنر < تجسمی

مکتب امپرسیونیسم یکی از مکاتب و سبک‌های هنری در تاریخ هنر به شمار می‌رود که برای اولین بار از عنوان نقاشی "کلود مونه" با نام "دریافت (امپرسیون) طلوع آفتاب" اقتباس شده است.

مکتب امپرسیونیسم، شاخه‌ای از هنرهای تجسمی
نمونه‌ای از آثار هنرمندان مکتب امپرسیونیسم







نقاشی امپرسیونیستی در آغاز با گنگی یا با تردید و غالباً با تمسخر مواجه شد. اما در سال ۱۸۹۱ نمایشگاهی از نقاشی‌های **مونه** در گالری‌اش در **پاریس** تنها ۳ روز پس از افتتاح فروخته شد.

پذیرش امپرسیونیست‌ها در **انگلستان** به آهستگی صورت گرفت. از سال ۱۹۲۶ که مونه به عنوان پیرمرد بزرگ نقاشی **فرانسه** در گذشت، نرخ‌های حراجی‌ها برای نقاشی‌های امپرسیونیست شروع به افزایش کرد و از دهه ۱۹۵۰ میلادی به سمت ارقام نجومی میل کرد.

آثار نقاشی امپرسیونیست‌ها، ثبت تغییرات گذرا و ناپایدار در طبیعت بود.

هنرمندان این سبک، با اشراف به این که واقعیت فرایند پیشرفت و تغییر مداوم است، با این دوگانگی مواجه شدند که پذیرش استاندارد‌های زیبایی‌شناختی فرهنگستانی فرانسه که کیفیت تغییرناپذیر هنر کلاسیک را مقدس می‌شمرد، با تمایل امپرسیونیست‌ها در تبعیت از منطق جستجو برای دگرگونی در تضاد بود و از این رو انزوای شان را از جامعه به همراه داشت.

نخستین هسته این جنبش توسط مونه، رنوار و سیسیلی که در اوایل دهه ۱۸۶۰ دانشجویان پیرو "گلیر" بودند، شکل گرفت.

